

دست از ماجراجویی برنمی‌دارد و اسرائیل را به حال خودش رها نمی‌کند؟» سؤالی که گاهی با چاشنی «عرب‌ها به ما چه؟» و «فلسطین به ما چه؟» و «چرا پول ما رو می‌ریزن تو حلقوم عربای فلسطینی؟» همراه می‌شود.

واقعاً اسرائیل سر جای خودش نشسته بود و حاکمیت جمهوری اسلامی دست از سرش برنداشت؟ هرچند شواهدی جدی در دست است، پاسخ به این پرسش به یک پشتوانه تحقیقاتی جدی نیازمند است که باید در چهل و چند سال گذشته به جای تبلیغات بی‌حاصل و گاهی حتی بد حاصل، یا دست‌کم در کنار آن انجام می‌شده و نشده است.

ما علاوه بر سوابق نسبتاً روشن و انکارناپذیر پروژه نظامی مشترک پرح (گل، شکوفه) میان اسرائیل و رژیم پهلوی که نه تنها به غارت کشور ایران که حتی به فریب حاکمیت پهلوی انجامید، شواهدی قابل پی‌گیری در دست داریم که مشاوران اسرائیلی در زمان حاکمیت پهلوی با ساختن الگوهای به ظاهر موفق مصرف بی‌رویه آب در بخش کشاورزی، روند ورشکستگی آبی ایران را آغاز کرده‌اند. این تنها به نظامی‌گری و کشاورزی محدود نیست و می‌توان حضور مخفیانه نظامیان اسرائیلی در ایران، تأسیس و اداره نهادهای اطلاعاتی اسرائیلی در ایران، و نیز نفوذ به نهادهای اطلاعاتی و امنیتی ایران تحت پوشش مشاوره و آموزش را هم به فهرست کوتاه، اما مؤثر این «قابل پی‌گیری»ها افزود.

